

# منشور ۳۴

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۴ تیر ۱۳۸۹  
۲۵ ژوئن ۲۰۱۰

اسد گلچینی

## از خاتون آباد تا سندیکای شرکت واحد

کشتار کارگران معادن خاتون آباد کرمان در سال ۸۴ بوسیله دولت سرمایه داران در ایران، پاسخ به حق طلبی و اعتراض آنها بود. در آستانه تشکیل سندیکای شرکت واحد اوباشان خانه کارگر و کانون شوراهای اسلامی به دفتر این تشکل کارگری حمله و مسئولین و فعالین آن را با قلدری و چاقو کشی تهدید کردند. سرکوب و ایجاد محنویت و تلاش برای منحل کردن آن سندیکای کارگران شرکت واحد، همیشه بخشی از سیاست دولت و خانه کارگریها بوده است و اکنون با زندانی کردن چهار عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد و دستگیری و احضار دیگر فعالین کارگری، این پیام را به طبقه کارگر در سال ۸۹ میدهند که تشکل در ایران جز آنچه افسارش در دست خود دولت

است معنایی ندارد، و باید کارفرما و دولت ایران بدون هیچ مزاحمتی و با در اختیار گذاشتن همه ملزومات استعمار شدید کارگران به امر خود مشغول شوند. این راه حل دولت جمهوری اسلامی در طول حیاتش برای سرپا نگاه داشتن نظام سرمایه مبتنی بر استعمار شدید کارگران و تامین نیروی کار ارزان اکنون با سرعت بسیار بیشتری در جریان است. کارگران آگاه و متشکل این اتفاقات را بهم وصل میکنند و در آن نقشه کل

صفحه ۲



## منشور ارتجاع سبز و بازار گرمی عوام فریبان

پدینال انتشار بیانیه شماره ۱۸ موسوی، "منشوری برای جنبش سبز"، هجوم

## مصطفی رشیدی

### پورشه، اکسیر جوانی در تهران بحران زده!

پورشه، Porsche، گل سر سبد اتوموبیلهای جهان جای پای خود را در شهر تهران باز میکند. در یازدهم خرداد ماه نمایندگی رسمی این اتوموبیل در کیلومتر یازده جاده کرج افتتاح گردید. در ساختمان چند طبقه و شیک و برانزده که با استانداردهای بزرگترین نمایندگی های پورشه در لندن و شانگهای برابری میکند، دهها دستگاه از آخرین مدلهای این اتوموبیل به نمایش گذاشته شد. بدین ترتیب اتوموبیل پورشه در دسترس خریداران مشتاق ایرانی قرار میگیرد. در طی دو سه هفته اخیر هزاران نفر از مشتاقان به سمت این بنگاه سرازیر گشته اند. همه چیز گواه اینست که شم و بازاریابی

## تب اعتصابات کارگری در بنگلادش

از روز هجدهم ماه ژوئن دهها هزار کارخانه پوشاک در بنگلادش دست به اعتصاب زدند. اعتصابات با خواست افزایش دستمزدها، سرعت پنجاه کارخانه را دربرگرفت. از روز شنبه کارگران اعتصابی به خیابانها ریخته دست به تظاهرات زدند. حمله و گاز اشک آور و تیراندازی پلیس را کارگران اعتصابی با باریکارد پاسخ دادند. در جنگ گریز چند

## تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

### دست تروریسم اسلامی از سر مخالفین کوتاه!

بنا به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران یکشنبه شب ۲۰ ژوئن چند فرد نقاب بر چهره به بلبک شدیدی عضوی سابق این حزب که به دام تروریستهای اسلامی افتاده بود و بعدها یک اقدام تروریست جمهوری اسلامی را برملا نمود، حمله کرده و او را بشدت زخمی کرده اند.

صفحه ۳

## کارگران جهان متحد شوید!

محافل و سخنگوییان راست و چپ بورژوازی این جنبش برای قالب کردن آن بعنوان نظراتی "راهگشا"، "کارساز" و "رایکال" به مردم تشنه رفاه و آزادی شروع شد. سرویسهای خبری حامی آنان نیز با حرارت تمام آن را پوشش دادند. موسوی اما چیز جدیدی نگفته است جز اینکه یک بار دیگر بر وفاداری خود به

صاحبان بنگاه پورشه در مورد مشتریان تهرانی درست و موفق از آب در خواهد آمد.

اتوموبیل پورشه از تکنیک حیرت انگیز تا طراحی و ساختش، یکسر مظهر تجمل و لوکس است. این اتوموبیل برای جوانان شکم سیری عرضه میشود که برای لذت فارغ الیال از زندگی پدینال وسوسه و سوداهای خود میافزایند. پورشه را اکسیر جوانی لقب داده اند. مگر نه اینستکه، انصافاً، پشت فرمان یک اتوموبیل کویه جلوبندی مدل "پانامرا" میتوان پیروی را، خیک برآمده و موهای سفید را در یک چشم بهم زدن به باد هوا سپرد؟ در تهران، این گونه آنها و با اینگونه وسوسه ها و نیازها غل میزنند. تهران شهر تضادها است. تهران، شهر فقر است. اما همین شهر، اتوموبیل پورشه را در ولع سیری ناپذیر ثروت و لوکس، بسادگی خواهد بلعید. مظاهر لوکس و از جمله

روزه عملاً ۷۰۰ کارخانه منطقه به تعطیلی کشانده شده است.



در صف تظاهرات کارگران اعتصابی زنان و مردان عمدتاً جوانی دیده میشوند که از کودکی در کارخانه شروع بکار کرده اند. کودکان بسیاری از آنها در زمره کارگران امروز کارخانه است. دستهای گره کرده امروز این کارگران تولید لباس و پوشاک بیش از یک میلیارد نفر از ساکنان کره زمین را بعهده دارد. تولیدات این کارگران در شبکه های فروشگاهی زنجیره ای Wal-Mart، H&M، Tommy Hilfiger لوکس فروشی های

بدون تردید بعد از ناکامی در انجام طرح تروریست و افشای این عمل جنایتکارانه، جمهوری اسلامی پس از لو رفتن یکی از طرحهای بغایت وحشیانه اش، در تلاش خواهد بود تا به هر نحوی فضای رعب را بر خارج مسئولی کند و به کسانیکه تاکنون تسلیم اهداف تروریستی رژیم شده اند بگوید که در صورت عدم اجرای

"اتفاقاقتشان" چه سرنوشتی میتواند در انتظارشان باشد. تروریسم بخش لاینجزای رژیم هار جمهوری اسلامی است که از بو بقدرت رسیدن تاکنون هزینه کلانی را به آن اختصاص داده و بعنوان یکی از اهرمهای حفظ نظام استعمارگرانه اش از آن استفاده نموده.

مصطفی رشیدی	خالد حاج محمدی
ریشخند آدم و عالم در پادشاهی سوئد!	اعدام عبدالملک ریگی، محکوم است!
صفحه ۳	صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## منشور ارتجاع سبز و بازار....

عملی ارتجاعی که کثافتی که زیر عمامه خمینی بود. کسی که این را از موسوی تحویل میگیرد و آن را به نام آزادی و عدالت اجتماعی به مردم نذر شده از جمهوری اسلامی قالب میکند، نه تنها بر بیگانگی و پشت کردن خود به آزادی و عدالت اجتماعی صحه میگذارد، بلکه بر آن تف میکند. ظاهرا راست و چپ بورژوا در بلوک سبز، جامعه و مردم را در یکسال گذشته با کشاندن جوانان به نماز جمعه و عاشورا و روز "قدس" و سردادن الله و اکبر آنقدر عقب برده اند که به خزیلات هر مکلا و هر آخوند مخالف خامنه ای و احمدی نژاد که همراه آنان در سرکوب این مردم نیز دست داشته اند، باید رضایت دهند!

از آزادیهای مشروع در آن را از دولت سلب کرده است. جناب مدرس حقوق سیاسی ظاهرا فراموش کرده است که آزادیهای مشروع در قانون اساسی جمهوری اسلامی چیزی جز آزادی اوباش اسلامی در تعرض به حقوق منی و اجتماعی مردم و یا حداکثر آزادی مطبوعات پسر خاله های آنان نبوده است.

سلطنت طلبان، داریوش همایون و اعوان و انصارش، با "تردید" و "ابهام" به بیانیه موسوی برخورد کرده اند. با همه اینها جنبش سبز هنوز هم جنبش ملی آنان است و ادامه دارد. طیف اکثریت با دیدن آن از خود بی خود شده اند که قبل انتظار است. این طیف بعد از انقلاب ۵۷ از موضع "استکیار" به ضد انقلاب بورژوائی علیه انقلاب پیوست. اکنون قلبشان با بلوک بورژوائی متمایل به غرب در جمهوری اسلامی میزند. بیژن حکمت از جمهوری خواهان لائیک از آوردن کلمه اسلامی بعد از ایرانی در منشور موسوی و از اینکه موسوی در مورد "انتخابات آزاد" صراحت ندارد، "دلخور" است. رقابت راه توده و حزب توده در این مورد از همه تماشائی تر

است. حزب کمونیست کارگری هم منشور موسوی را رادیکال و این "رادیکالیزم" را هم البته نتیجه فشار "انقلاب جاری"، انقلاب سبز، میدانند!

اگر می پرسید چرا جمهوری اسلامی هنوز به بقاء خود ادامه میدهد؟ بخشا روی شانه اینهاست. کسانی که با عطسه هر آیت الله و هر حجت اسلامی، فوراً تب میگیرند!

کارگر کمونیست به این بازار مکاره بورژوائی دست رد میزند. طبقه کارگر خواهان برچیدن بساط هر دو بلوک بورژوائی سبز و سیاه است. چارقد گلدار، این یک ذره "گنایش فرهنگی"، هم پیشکش امثال زهرا رهنورد، زن برابری طلب به کمتر از برابری کامل زن و مرد و پرت کردن سمبل حقارت و بردگی خود رضایت نمیدهد. جوان سکولار این جامعه که خواهان زندگی مانند هر جوان دیگری در کشورهای غربی است، به کمتر از جارو کردن اسلام از جامعه و از دخالت در زندگی خصوصی افراد آن رضایت نمیدهد.

جنبش سبز، "جنبش جاری"، اساسا به هدف سد کردن اعتراض رادیکال این صف به جلو صحنه کشیده شد. بیانیه

های مختلف موسوی و حمایت دلقکهای سیاسی حامی آن نیز به این هدف است. میدانند این صف، تشنه آزادی و برابری و رفاه در جامعه است و جمهوری اسلامی را نمیخواهد. به نام جنبش سبز برای آن راه باز کردند تا آن را در کشمکش جناحی درون جمهوری اسلامی کتالیزه کرده و از آن برای دست بالا پیدا کردن بلوک بورژوائی سبز بر بلوک سیاه خامنه ای، سود برند. چپ بورژوا در این "وقت شناسی" راست بورژوا شریک است. باید مدام راست بورژوا را اقیاء کرد و پرده عوام فریبی از چپ بورژوا را نیز کنار زد. چشم دوختن به کشمکش درونی جمهوری اسلامی و با رقابت بلوک بورژوائی سبز با سیاه و این یا آن بیانیه جنبش سبز، نتیجه ای جز ادامه وضع موجود نخواهد داشت. باید خود را از چنبره ارتجاع سبز و از همه مدعیان راست و چپ درون این "جنبش جاری" بیرون کشید به زیر پرچم رهائی بخش طبقه کارگر رفت که خواستار رهائی بی اما و اگر مردم و جامعه است.

## از خاتون آباد تا سندیکای...

بورژوازی ایران برای سرکوب و خاموش کردن اعتراضات کارگری را میبیند. تامین نیروی کار ارزان بدون سرکوب عریان طبقه کارگر ممکن نیست. بورژوازی ایران با همه توان و قدرت و با طرح های مختلف اقتصادی در تمامی زمینه های تولیدی و خدماتی در پی تثبیت این موقعیت است و بدرجه زیادی این را ممکن کرده است. هر دولتی غیر از دولت کارگران بر سر کار بیاید، تحت هر نام و نشانی، ناگزیر از ادامه برنامه و اجرای قوانین این نظام برای ارزان کردن هر چه بیشتر نیروی کار از طریق سرکوب طبقه کارگراست. این منطق و کارکرد سرمایه داری در ایران است. تصور کنید در سال ۸۸ احمدی نژاد بازنده انتخابات میشد. تصور کنید که در انقلاب جنبش سبز در ۲۵ خرداد ۸۸ سبز ها همراه همه متحدین چپ و راستشان در اپوزیسیون که چوبدستی زیر بغل جنبش سبز بودند، به حکومت میرسیدند. چه اتفاقی می افتاد غیر از اینکه طبقه کارگر باز هم با همین شرایط امروز و با سرعت هرچه بیشتری در خدمت پیاده کردن اصل ۴۴ واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی البته به شیوه سبز ها، قرار داد های سفید امضا و طرح یارانه ها و منحل کردن تشکل هایش و سرکوب بیشتر مواجه میشد. هیچ کدام از بخشهای

سرمایه داری در ایران که نمایندگان سیاسی دولت آنها خامنه ای و احمدی نژاد و موسوی و رفسنجانی باشد بر سر استثمار شدید کارگران و سرکوب آنها هیچ اختلافی نداشته و ندارند.

همه این واقعیتها به کارگران و کمونیستها میگوید که تمام مساله بر سر اعتراض کارگران و بویژه اعتراض مشکل است که همیشه مورد بیشترین تعرض دولت و نیروهای امنیتی اش است. کارگران پراکنده و خاموش را کسی دستگیر و زندانی نمیکند. کارگران مبارز و متشکل در محیط های کار بشدت مورد حمله هستند و هر تلاش و فعالیت آنها تحت کنترل است.

دفاع از کارگران زندانی در ابعادی گسترده در مراکز کار و زندگی میتواند دولت را در تعرض بیشتر به طبقه کارگر محدود کند. هر نوع تحرکی در میان کارگران شرکت واحد بویژه که رفقای آنها و مسئولین سندیکایشان را دستگیر کرده اند بسیار مهم است و بلافاصله بر سرنوشت رفقای زندانشان تاثیر دارد. حمایت کارگران در کشورهای دیگر از کارگران زندانی میتواند دولت سرمایه در ایران را از تعرض بیشتر به کارگران بازداشته و به آزادی کارگران دستگیر شده و زندانی بینجامد.

مبارزه متحد و هماهنگ برای آزادی کارگران دستگیر شده سندیکای شرکت

واحد، رضا شهبلی، سعید ترابیان، ابراهیم مددی و منصور اسالو و همچنین محمد اشرفی، علیرضا اخوان و پدram نصراللهی و دیگر فعالین کارگری، امر مهم جنبش ماست. باید با همه توان و در همه جا چرخ های این مبارزه را بیشتر به گردش درآورد و گسترش داد. این کار جنبش کارگری در ایران و مبارزین آن است. این کوچکترین توقع از همه فعالین این جنبش است که در هر کجا که هستند بر علیه این سرکوب سازمان یافته طبقه کارگر در مبارزه برای دفاع از حق طلبی و تشکل، به مبارزه ای متحدانه و هماهنگ دست بزنند. ما کمونیستها دست همه پیشروان این مبارزه و فعالین آن را میفشاریم و در کنارشان هستیم. ما با کارگران و فعالین این مبارزه همراه خانواده های این کارگران هستیم و باید بکشیم شانه هایمان را زیر همه مشکلاتی که دارند قرار بدهیم.

هیچ گونه توجیه و دلیلی مبنی بر اینکه سندیکا و مسئولین آن در ارتباط با پایه خود تشکل نیستند (فارغ از درست و یا غلط بودن، دقیق یا نا دقیق بودن این مسئله) به هیچ عنوانی، نباید مانع تلاش همه جانبه کارگران و پیشروان آنها در دفاع از هر نوع تشکل کارگران که بوسیله خودشان ایجاد میشود باشد.

کمونیستها میدانند که در صورت وجود تشکل، کارگران قادر به ادامه مبارزه برای حقوق خود هستند. کمونیستها

بدون وجود کمیته های کمونیستی و واحد های حزبی و همچنین تشکل های توده ای طبقه کارگر قادر به متشکل کردن و مبارزه سازمان یافته نیستند. بیهی است که هر گرایش سیاسی فعال در میان کارگران مهر خود را بر هر حرکت آنها میتواند بزند. هر اختلاف نظری در مورد نقش و کارکرد در گرایشات مختلف (سندیکالیستی، ناسیونالیستی و ...) ذره ای نمیتواند بر تلاش برای تقویت و فعال کردن و بحرکت در آوردن مبارزه کارگران و اتحاد آنها و بر پایی هر تشکلی تحت هر نامی، تاثیر داشته باشد. حمله امروز به سندیکای شرکت واحد دقیقا در ادامه کشتار خاتون آباد است و موفقیت در این کار برای دولت به معنای حملات بعدی به سندیکای نیشکر هفت تپه و هر جمع و محفل و شبکه کارگری و فعالین آنهاست. نباید تردیدی در این داشت که بسن در سندیکای شرکت واحد میتواند منجر به خفقان باز هم بیشتری در همه مراکز کارگری در ایران شود و جنبش کارگری را چنین گام درمبارزه بشدت دفاعیش به عقب میراند.

کارزار وسیع ما در همه مراکز کار و بویژه در شرکت واحد و همچنین در میان کارگران کشورهای مختلف، برای آزادی کارگران زندانی قدمی بسیار مهم در این مبارزه است.

## زنده باد جمهوری سوسیالیستی

پورشه، اکسیر جوانی در ...

صنعتی ایران و از پرطپش ترین

مصطفی رشیدی

## ریشخند آدم و عالم در

## پادشاهی سوئد!

دختر جوان پادشاه سوئد، خانم ویکتوریا اینگرید آیس دزیریه، به خانه بخت رفت. نیمه شب ۱۹ ژوئن در پایان مراسم عروسی، نه فقط يك صورت حساب چند صد میلیون کرون، بلکه بعلاوه يك خیمه شب بازی سیاسی - اخلاقی بیای مردم سوئد نوشته شد. از شش ماه پیش نقشه و تدارک گسترده آغاز گردید، و دو هفته تمام زمین و زمان بهم دوخته شد تا از عروسی مربوطه به جشن بزرگ ملی ساخته شود. خاتم شاهنخت ویکتوریا از مردم سوئد تشکر کردند که در تشریفاتی فراموش نشدنی، پرنس شوهر را به ایشان تقسیم داشتند! رضایت خاطر کامل را در عین حال میشد در نیشهای تا بناگوش باز اسقف اعظم کلیسای سوئد، در سر تکاندانهای سخاوتمندانه سیاستمداران، و در عین حال کف زندهای پرشور میهمانان برگزیده بوضوح مشاهده نمود. تجربه نشان داده است که دنیا و ژورنالیسم میتوانند در فروش هر آشغالی به افکار عمومی معجزه کنند. هر چه کردند، اما نفس اشرافیت، با تحقیر مردم عامی بطرز خیره کننده ای خود را تحمیل نمود.

کلیسا برنده اصلی این نمایش بود. بخش اصلی ماجرا زیر سقف کلیسا و توسط کشیش اعظم، مطابق نص صریح انجیل، و با اجازه و تایید ایشان پیش میرفت. بدین ترتیب با تقییس حریم خانواده مذهبی، به گذشتگان و آیندگان تضمین داده شد که "حرامزاده ای" در کار نخواهد بود. ارزیابی از فرصت تبلیغی اینچنینی برای کلیسا غیر قابل تصور است. ملت و ملیت و ناسیونالیسم برنده بزرگ دیگر این معرکه بود. بنا به ذات همیشگی ناسیونالیستی ابواب جمعی کسانی که اصولاً صاحب و ناجی این ملت هستند، از صاحبان سرمایه، مدیران، رده های بالای سیاستمداران، کهنه فئودالها و نظامیان گرد آمدند. برق جواهرات گرانبه برای خاتمه و انگ و دولنگ مدالها برای آقایان بکار گرفته شد که احیاناً شکاکیتی در شلیستگی مدعوین بوجود نیاید. این حضرات بنمایندهای ملت احساسات بخرج دادند، درود فرستادند، و در عین حال از تشریفات بیدریغ لذت ببرند. دوباره باز هم برای سعادت ملت رقصیدند، نوشیدند و دولا و پهنا آروق زبند... برای تکمیل این جشن ملی، البته برای مردم امکانات و امنیت لازم فراهم شده بود که در کنار خیابانها نینال درشکه شاهزاده خوشبخت بودند، دست تکان بدهند و افتخار نمایند!

مخارج این جشن از دوپست میلیون

کرون فراتر رفت. به این رقم باید مخارج بسیار هنگفت تدارکات پلیس، دستگاههای خدمات شهری، برنامه های شبانه روزی چندین کنال تلویزیونی، و بسیاری هزینه های فرعی را اضافه کرد. با فضایی که ساخته شد، با هوچی گری، با دروغهای شاخدار برای درآمدهای مالی در حاشیه جشنها، همه و همه مراسم را به يك كلاه گشاد بر سر مردم و ملت عزیز تبدیل میساخت. این كلاه گشاد اما، اجباری بود و بجز همراهی انتخاب دیگری پیش روی ملت قرار نداشت. از میان "صاحبان" جامعه و دست اندرکاران فداکار، از وزرا و نظامیان و هنرمندان و ژورنالیستها و پلیس و درشکه چی و اسپهپش، هیچ کس حاضر نشد چند دقیقه از وقت و هنر و سلیقه خود را مجاناً در اختیار قبله عالم و این جشن ملی قرار دهد. لیست بلند بالای مخارج این همه "شور جامعه، کارگر و مردم کارکن گذاشتند. این مردم البته در پرداخت این هزینه ها هم هیچ راه انتخاب دیگری جز تسلیم

ندارد. جایگاه پادشاه سوئد در ساختار دولتی از يك نقش سمبلیک فراتر نمیرود. اما در زمینه سیاسی و اجتماعی از کارکرد مهمی برخوردار است. این خاندان جزو مجموعه ای از عموزاده ها و خاله زاده های پادشاهی در يك نو جین کشورهای اروپایی هستند که توسط بورژوازی حاکم ( و از جمله توسط سوسیال دمکراسی) از تعرض طبقه کارگر مصون داشته شدند. این خاندان ها بعنوان سمبل وحدت ملی برای روز مبدا تشری انداخته شده اند. ناسیونالیسمی که بورژوازی و شاهان عزیز دردانه شان نمایندگی میکنند بر يك رکن اساسی مشترک استوار است: طبقه کارگر را نه بعنوان عنصر خلقت و صاحب جامعه بلکه بعنوان شهروندان "عوام" میبیند و میشناسد که عزا و عروسی "ملی" را باید روی دوشها و جیبهای او خراب کرد. مراسم دو هفته ای عروسی اخیر در سوئد، محل نمایش این داستان خفت آور بود.

روز شوشنبه، ۲۱ ماه ژوئن داستان واقعی زندگی از سر گرفته شد. یکماه پیشتر به بهانه جبران کسر بودجه چند صد میلیون کرون ( چیزی حدود رقم معادل مخارج عروسی) در صنوق بیمه های اجتماعی هزار نفر از انستاهای عمدتاً مبتلا به بیماریهای درمان ناپذیر ناشی از فرسودگی سالهای طولانی کار، را با قساتوی باور نکردنی، با قطع پرداخت مستمری بیمه، به اداره کار سپردند. صدها نفر از این بیماران چند ساختمان بیمه های اجتماعی را به نشانه اعتراض به اشغال خود درآوردند ...

هستند. با محاسبه دستمزد پایه ۲۰۳ هزار تومانی، قیمت متوسط يك سالهای بحران اخیر، میلیونها نفر راه اتومبیل پورشه، که بین ۱۲۰ تا ۲۵۰ میلیون تومان برآورده شده، معادل چهل و یکسال دستمزد يك کارگر است! دستمزدی که باید کفاف هزینه کامل يك خانواده کارگری از مسکن، پوشاک، خوراک، تحصیلات و درمان و تفریحات را تامین نماید. کارگر شاعل، هنوز معیار گویایی برای درآمد و سطح زندگی بخش اصلی جمعیت ساکن تهران نیست. رقم رسمی اعراق آمیز دولتی گویای نوازده درصد بیکاری است. به این ترتیب در خوش بینانه ترین حالت با يك چرخش نزدیک دو میلیون نفر از ساکنان تهران ۱۴ میلیونی محروم از اشتغال و درآمد ثابت قرار میگیرند. بنا به آمار رسمی وزارت رفاه و بانک مرکزی نمی از جمعیت کشور با معیار در آمد سالانه ۸۰۰ هزار تومان در سال، زیر خط فقر مطلق زندگی میکنند. با در نظر گرفتن معیارهای بین المللی و در مقایسه با قیمت واقعی نیازمندها در جامعه آنوقت به ارقام و دامنه ترسناکی از میلیونها انسان دست بگریبان گرسنگی میرسیم. کمیته امداد امام خمینی مدعی است چهار میلیون نفر زیر خط فقر مطلق را تحت پوشش مستمری های خود دارد. این مستمری های موعود، از مواد خوراکی و پوشاک محقرانه فراتر نمیرود. این اعداد و آمارها حکایت زندگی انستاهای واقعی را منعکس میکنند و در هر گام نزدیکی با واقعیت رنگ خون، بوی نامیدی و استیصال، بوی فقر، بوی تباهی و بوی تلاش فرساینده انستاهای برای نجات از سقوط را بخود میگیرند.

تهران و اتومبیلهای پورشه تصویر گویای کل آن جامعه، ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. طبقه کارگر ایران در دفاع از خود و آینده فرزندان به جنگ تمام عیار دعوت شده است. نه روستایی باقی مانده که بدان عقب نشست و نه "تسلیم" پایان این جنگ را برایش به ارمغان خواهد آورد. امروز دارند بحران سرمایه را با فرسودگی و فقر و محنت طبقه کارگر پشت سر میگذارند. رونق فردای این سرمایه، بدون تردید باز هم بجز فرسودگی بیشتر سهم دیگری را نصیب کارگران و بخش زحمتکش جامعه نخواهد کرد. صف آرابی و پیروزی در این جنگ، تنها راه طبقه ما، تنها راه نجات يك جامعه است. طبقه کارگر در ایران يك زندگی شایسته، يك بهشت ساخته دست خود را میتواند از آن خویش سازد.

## گفتار رادیو پرتو

به منابع زیر مراجعه شود:

- ۱- متغیرهای فقر در ایران، خبرگزاری موج، ۱۹ مهر ۱۳۸۸
- ۲- اختلافهای ثروت در دهکهای بالایی و پلینی جامعه، خبرگزاری عصر ایران، مرداد ۱۳۸۸

مرگ بر جمهوری اسلامی!

خالد حاج محمدی

## اعدام عبدالملک ریگی، محکوم است!

ریگی رهبر گروه جندالله بلوچستان روز یکشنبه ۳۰ خرداد به جرم "محرابه و افساد فی الارض" اعدام جمهوری اسلامی بعد از ۳۰ سال زندان، به توضیح دلایل اعدام و جرایمی که ریگی و گروه جندالله مرتکب شده است پرداخته است.

اعدام ریگی نیز مثل اعدام دهها هزار نفر از مخالفین جمهوری اسلامی که در سی سال گذشته جانشان را گرفتند، ربطی به مجازات قربانیان ندارد. اگر قرار بود به جرم آدم کشی مردم را حلق آویز کرد، در انصورت باید صدها نفر از روشا و مقامات و وزرا و فرماندهان و آیت الله ها را در این جامعه در ردیف اول قرار داد و اعدام کرد. کسانی که خود با افکار و عقاید امثال جندالله، مخالفین سیاسی خود را زندان، اعدام، و حق حیات را از آنها سلب میکنند، صلاحیت اجرای عدالت و رسیدگی به جرم هیچ کسی را ندارند. بعلاوه و مهمتر، مجازات اعدام قتل عمد و شنیع ترین و جنایتکارانه ترین عمل انتقامجویانه است که ربطی به اجرای عدالت و مجازات مجرم ندارد. جنایت را با جنایت نمیتوان جواب داد.

جندالله و امثال جندالله بر زمین اختناق، بی حقوقی، فقر و سرکوب سی ساله،

تغذیه میکند. جندالله فرزند و محصول تبعیض، حاکمیت مذهب، نژادپرستی، راسیسم و توحش جمهوری اسلامی ایران است و از جهنم و بی حقوقی که جانیان جمهوری اسلامی در ایران برای همه، و از جمله برای مردم سیستان بلوچستان آفریده اند، تغذیه میکند. اعدام رهبری جندالله توسط جمهوری اسلامی کمترین ربطی به جندالله ندارد. اعدام ریگی، همچون همه اعدامهای دیگر، تنها و تنها برای ارباب جامعه و ترساندن مردم از اعتراض صورت گرفت.

اینکه قضات جمهوری اسلامی در کمال خونسردی تصمیم میگیرند به نام قانون و ملت، حکم اعدام و قتل مخالف خود را به هر دلیل صادر کنند، بیش از هر چیز برای ارباب جامعه است. بنام مردم به مردم اعلام میکنند که کسی حق مخالفت ندارند. اعلام میکنند که مخالفت با حکومت و قوانین آن میتواند بهای سنگین تا گرفتن جان و حق حیات را داشته باشد. اعدام ریگی بخشی از تلاش یک رژیم تروریست و آدم کش است. تلاش میکند که با اعدام، شهروندان را مرعوب کند و به سکوت و تمکین به قوانین حاکم، بکشد.

تنها راه پایان دادن به فعالیت هایی از جنس جندالله، مبارزه با ریشه های آن و به زیر کشیدن تمام و کمال جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت تروریستی - فاشیستی و مادر تروریسم است.

### برنامه این هفته رادیو پرتو

جمعه: سوم تیر ماه برابر با ۲۵ ژوئن

گزارشی از اعتصاب کارگران تولید پوشاک در بنگلادش

پورشه، اکسیر جوانی در تهران بحران زده: گفتار رادیویی

دور اخیر حمله به زنان و جوانان به بهانه حجاب: گفتگو با اعظم کم گویان

### دست تروریسم اسلامی...

این رژیم شلپور بختیار، عبدالرحمان قاسملو، غلام کشاورز، صدیق کمانگر، صادق شرفکندی، برومند، فروهرها، مختاری و پوینده، فرخزاد، کاظم رجوی و دهها انسان مخالف خود را در داخل و خارج به فجیع ترین شیوه ها بقتل رسانده است.

شارلاتانیسم و چاقو کشی اوباشان اسلامی برای حذف مخالفین خود امر جدیدی نیست. بر هیچ کس پوشیده نیست که عامل این اعمال وحشیانه و بزدلانه تنها و تنها جمهوری اسلامی و عوامل مزدورش میباشند. تردیدی در این نیست که دولت سوند و نهادهای امنیتی آن سه دهه از عملکرد تروریستهای اسلامی مطلع هستند و در

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

۲۳ ژوئن ۲۰۱۰

### تب اعتصابات کارگری در ...

های فروش پوشاک جزو پر سودترین سهام بازار بورس بحساب میآیند. در بهیوه اعتصاب جاری هیئت مدیره شرکت H&M با اعلام سودی معادل یک میلیارد دلار تنها در عرصش ماه اول سال ۲۰۱۰ نفس را در سینه سهام داران خود حبس کرد. دستمزد کارگران کارخانه های تولید پوشاک کمپانی مزبور در بنگلادش معادل ۱۲ سنت در ساعت است. خواست کارگران افزایش این دستمزدها به سطح هشتاد دلار در ماه است.

منطقه اعتصابی Ashulia در خارج شهر داکا، پایتخت بنگلادش در شبکه عظیم هزار کارخانه نساجی خود هشتصد هزار کارگر را در خود جای داده است. در این کارخانه ها، فرسنگها کیلومتر دورتر از فروشگاههای شهرهای اروپا، تازه ترین مد لباسها تولید میگردند. این تولیدات مبشر زیبایی، راحتی و سلامتی مصرف کنندگان خود هستند. اما، در نقطه مقابل محصولات تولیدی، در کارخانه و در محیط زندگی این کارگران بطور مطلق اثری از زیبایی و راحتی دیده نمیشود. این کارگران با فقر مطلق، در بیغوله ها و در همسایگی دایمی زیاله ها عمر خود را سپری میکنند. چیزی حدود ۴۰ درصد از تولید صنعتی و هشتاد درصد از کل صادرات کشور بنگلادش حاصل کار کارگران نساجی است؛ اما دولت بنگلادش بجز سرکوب عریان و وحشیانه چیز بیشتری را برای کارگران به ارمغان نیاورده است. دولت بنگلادش با ضرب قنون سطح

### رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت بخش رادیو پرتو جمعه ها ۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن ۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی ۲۱،۳۰ تا ۲۳،۳۰ به وقت ایران  
شما می توانید در ایم هفتگه شنونده تکرار برنامه های این ساعت باشید  
www.radiopartow.com/wp/

دستمزدها را پایین نگه داشته است، از تامین ساده ترین امکانات زندگی برای مناطق کارگر نشین سر باز زده است و شریک رسمی بهره کشی برده دارانه از کارگران است.

چهار سال پیش در ماه مارس سال ۲۰۰۶ موج شورش و اعتصابات کارگری در اعتراض به شرایط خطرناک کار و در پی مرگ و زخمی شدن صدها کارگر در سه کارخانه پوشاک، سراسر بنگلادش را فرا گرفت. آن اعتصابات با وعده های توخالی و با زور سرکوب به پایان رسید. روز سه شنبه در چهارمین روز اعتصابات جاری، یکبار دیگر مقامات با وعده های کلی برای افزایش دستمزد، صدای تهدید سرکوب گسترده علیه کارگران را بلند کردند.

امروز صدای اعتصاب کارگران بنگلادشی بوضوح در اروپا شنیده میشود. محصولات و کالاهای حاصل کار این کارگران را صدها میلیون نفر در اروپا هر لحظه بر تن خود و کودکانشان حس میکنند. حقانیت خواست این کارگران وجدان هر انسانی را بدر میآورد. منیر کمپانی H&M در واکنش در مقابل اعتصابات جاری، در کنار یک اظهار همدردی بسیار سطحی بلافاصله تاکید کرد که: کمپانی ما افتخار میکند که موجبات اشتغال چند صد هزار بنگلادشی را فراهم آورده است!

این چیزی بیشتر از ادامه توحش علیه کارگران توسط دستگاه پلیس بنگلادش، اما در هیئت یک سرمایه دار شیک پوش و کرواتای و در مقابل دوربینهای تلویزیونی بنور از صحنه تیراندازی، نیست. انتظار بیشتری از سرمایه داران نمیرود. تنها شانس کارگران اعتصابی بنگلادش در حمایت فعال هم طبقه ای هایشان در سراسر جهان و مشخصا در اروپا نهفته است. افسوس، این صدا بطرز درد آوری ضعیف است.

از برنامه های رادیو پرتو

### نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

# زنده باد سوسیالیسم